رویداد

رونمایی از مجموعه آثار زنده‌یاد حمید سبزواری

سبزواری اعتبار و آبروی شعر معاصر فارسی است

مراسم رونمایی از مجموعه آثار زنده‌یاد حمید سبزواری در حوزه هنری با حضور سردار سپهر، جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین برگزار شد. به گزارش فارس، سردار محمدحسین سپهر، جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین در سخنانی در این مراسم، با اشاره به جایگاه مهم استاد حمید سبزواری در ادبیات انقلاب اسلامی گفت: یکی از وظایف سازمان بسیج هنرمندان خدمت‌رسانی است. ما آمادگی داریم هر تلاشی را که موجب رونق فرهنگ و توسعه و عمق‌بخشی به فرهنگ دینی می‌شود حمایت کنیم، از اشخاص حقیقی و حقوقی در این مسیر دفاع کنیم تا یاد و نام بزرگانی چون سبزواری را در عمل پاس بداریم و از محبت‌های علمی و عملی دوستان بهره ببریم. همچنین محسن ممتنحنی، فرزند استاد حمید سبزواری نیز در این مراسم اظهار داشت: ما مدت‌های بسیاری انتظار کشیدیم تا این کار به سرانجام برسد ان‌شاءالله حرکتی انجام و آثار دیگر شاعران نیز جمع‌آوری شود و به مرحله چاپ برسد. دوست دارم از مرحوم محمود شاهرخی هم نام ببرم. زمانی که ایشان در قید حیات بودند بسیار گله‌مند بودند اما خوب است مسؤولان فرهنگی امروز به خانواده ایشان هم سری بزنند و همتی ایجاد شود تا آثار ایشان به چاپ برسد.

علیرضا قزوه، مدیر مرکز آفرینش‌های حوزه هنری نیز در این مراسم در سخنانی کوتاه با اشاره به اینکه سرود جمهوری اسلامی ایران خوب است اما ملتی که حماسه‌های متعدد را آفریده، باید در سرود ملی خود رگه‌هایی از حماسه موج بزند، گفت: ملتی که این حماسه‌ها را آفریده حماسه در سرود ملی‌اش باید پررنگ‌تر باشد. ای کاش قلم استاد سبزواری در این راستا همراه می‌شد و در زمانی که ایشان در قید حیات بودند از واژه‌های ایشان برای تغییر سرود ملی استفاده می‌شد. یاد گرفته‌ایم در جنگ‌ها باید از رجز استفاده کنیم. شاهنامه نیز اینگونه سروده شده است اما سرود جمهوری اسلامی ایرانی را که امروز می‌شنویم بحر دیگری دارد. بنابراین با همه احترام به هنرمندانی که در تهیه سرود ملی تلاش داشته‌اند، عرض می‌کنم باید از عنصر حماسه در سرود ملی غفلت نشود. محمدمهدی سیار دیگر شاعری بود که در این برنامه حضور داشت. او در سخنانی گفت: استاد حمید سبزواری نشان داد شعر همواره زبان مردم این سرزمین است. خیلی‌ها سبزواری را اعتبار و آبروی شعر انقلاب می‌دانند اما او اعتبار و آبروی همه شعر معاصر فارسی است. او نشان داد شاعر زبان حماسه‌ها، شاعر زبان شادی مردم، شاعر زبان غم‌های این مردم و شاعر اندیشه و تفکر این مردم است وقتی که سرود این بانگ آزادی را سرود. در این مراسم از خانواده شاعران نصرالله مردانی، احمد زارعی، خلیل عمرانی و حمید سبزواری تقدیر به عمل آمد.

سینما

«منطقه پرواز ممنوع» به روزهای پایانی تصویربرداری رسید

تصویربرداری فیلم «منطقه پرواز ممنوع» که از شهریورماه و در سکوت خبری شروع شده بود، به روزهای پایانی خود رسیده است. به گزارش «وطن امروز»، این فیلم که در ژانر ماجراجویانه و برای مخاطب نوجوان ساخته شده، نخستین فیلم سینمایی امیر داسارگر به عنوان نویسنده و کارگردان است. داسارگر ساخت چند فیلم داستانی از جمله «هنگامه» و «سر به راه» را در کارنامه هنری خود دارد. بیش از ۵۰ لوکیشن در منطقه کلیبر استان آذربایجان‌شرقی محل تصویربرداری این فیلم بوده است. منطقه پرواز ممنوع به تهیه‌کنندگی حامد بامروت‌نژاد با نزدیک شدن به پلان‌های نهایی تصویربرداری، وارد مرحله پس‌تولید نیز شده است. مدیر فیلمبرداری علی رنجبر، طراح صحنه و لباس پیام حسین سوری، طراح گریم امیر ترابی، صدابردار سعید بجنوردی، دستیار اول کارگردان سیداحمد حسینی، مدیر برنامه‌ریزی مهدیار عقابی، بازیگردان نوجوان زین‌العابدین تقی‌پور، تدوین ابوذر حیدری، مدیرتولید سیدصادق حسینی و جانشین تولید سیدمهدی حسینی برخی دیگر از عوامل تولید این اثر سینمایی هستند.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با علی مؤذنی، نویسنده رمان «احضاریه» درباره زندگانی حضرت زینب(س)

«احضاریه» مقدمه پیاده‌روی اربعین است

خواننده علاقه‌مند به داستان‌های خطی، با «احضاریه» کنار نخواهد آمد

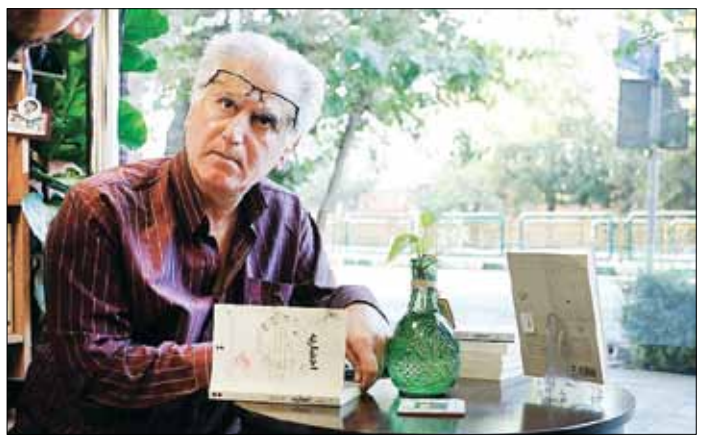

محسن شهمیرزادی: اگر ده‌ها دلیل برای خواندن «احضاریه» وجود داشته باشد، قطعا یکی از مهم‌ترین آنها این است که به قلم «علی موذنی» نگاشته شده است. موذنی در این سال‌ها با رمان «دوازدهم» توانسته بود تجربه جدیدی را به ادبیات داستانی دینی اضافه کند و این بار راهپیمایی اربعین و زندگانی حضرت زینب(س) باعث شد بار دیگر با یکی از ماندگارترین رمان‌های مذهبی مواجه شویم؛ اثری که علاوه بر قصه‌گو بودن، سنگ بزرگ‌تری را نشانه رفته و در آن با دورنمایی تحلیلی از تاریخ اسلام بعد از رحلت پیامبر مواجه می‌شویم که می‌تواند خواننده را با بار اطلاعاتی بیشتری همراه کند. احضاریه در حالی کمتر از ۲ ماه از انتشارش می‌گذرد که به تیراژ ۲۱ هزار تایی رسیده است و به همین بهانه سراغ علی موذنی رفتیم تا درباره بخش‌های کمتر مطرح شده رمان او به گفت‌وگو بنشینیم.

***

■ **این مساله احتمالا برای بسیاری از مخاطبان جالب و البته محل سوال است که چه شد علی موذنی سراغ این سوژه رفت؟**

عمده‌ترین دلیل این است که سریالی درباره بانو زینب(س) نوشتم و نسبت به موقعیت تاریخی ایشان تا حدودی اشراف پیدا کردم، البته اشراف اطلاعاتی دلیل نوشتن رمان در باره ایشان نبود که کاسبکارانه فکر کنم خب! حالا که این اطلاعات هست، چرا در یک رمان خرج نشود؟ نوشتن فیلمنامه در باره معصومین فشار مضاعفی را بر نویسنده تحمیل می‌کند، چون نمی‌توانی مستقیما به ایشان نزدیک شوی و مجبوری بار شخصیت ایشان را روی دوش اطرافیانش بگذاری. برای همین فکر کردم خوب است این انرژی در یک رمان یا داستان بلند یا یک داستان کوتاه تخلیه شود...

از نظر من به عنوان یک داستان‌نویس، میان بانو و یزید دیالوگ به مفهوم فنی آن برقرار بوده. یزید ادعا می‌کرده، بانو و امام سجاد(ع) ادعای او را با استدلال رد می‌کرده‌اند، بنابراین ما می‌توانیم تاریخ معصوم را بازسازی کنیم، طوری که حقایق تحریف نشود. این امر در بازسازی موقعیت خانوادگی آنها نیز صادق است

■ **همین اول بگذارید تکلیف را مشخص کنیم؛ شما درباره راهپیمایی اربعین نوشته‌اید یا حضرت زینب(س)؟ شاید از نظر شما این سوال ساده‌بینانه به نظر بیاید اما وقتی دارید ۲ تا قصه را به شکل موازی روایت می‌کنید، اگرچه حلقه وصلش ستون روزنامه است اما خیلی وقت‌ها این تسبیح پاره می‌شود و دیگر انگار قصه‌ای جدا از تاریخ می‌بینیم و یک روایت از امروز...**

قرار بر رفتن به راهپیمایی اربعین است اما مهندسی رمان مقدمه‌سازی برای این راهپیمایی است نه خود راهپیمایی. اتفاقا رمان درست در آغاز راهپیمایی تمام می‌شود. پس اصلا نظری که می‌فرمایید، محلی از اعراب در رمان ندارد. مسعود وقتی پیشنهاد رفتن به راهپیمایی را می‌پذیرد، در ۲ جهت حرکت می‌کند؛ یکی گرفتن ویزا و تمرین پیاده‌روی و تهیه مقدمات سفر، و دیگری سفری معنوی که می‌خواهد از طریق مطالعه نسبت به شخصیت بانو زینب(س) اشراف پیدا کند، یعنی ایشان را از آن تعاریف کلی که درباره‌اش شنیده، درآورد و با جزئیات زندگی‌اش آشنا و با شناخت بیشتر راهی سفر شود. ساختار رمان هم بر همین اساس مهندسی شده است. بخش اول به بحث طلبیده شدن یا احضار شدن می‌پردازد و قرار سفر کربلا و مقدمات سفر. در عین حال، روابط برادر و خواهر هم شکل می‌گیرد. دلبستگی عارفه به بانو زینب(س) زمینه نوشته شدن بخش دوم را که تاملات عارفه است، فراهم می‌آورد. بخش دوم، مخاطب را با بخش‌هایی از زندگی بانو زینب(س) که در اصل میزبان راهپیمایی اربعین است، آشنا می‌کند. بخش سوم آغاز سفر از تهران به عراق است. سفری که ظاهرا برادر می‌رود اما در اصل او مرکب است و خواهر راکب، چون این خواهر است که دلداده بانو شده است. شهد وجود بانو را او نوشیده و محرم شده. در اصل او است که احضار شده. بانو به عارفه می‌فرماید قرار نیست تاریخ ما را امثال معاویه روایت کنند. برای همین بخش چهارم، اختصاص پیدا می‌کند به روایت مسعود از تاریخ. مسعود آن بخشی از تاریخ را شرح می‌دهد که وقایعش موجد عاشورا شده. نگاه مسعود در این بخش نقد رفتار معاویه است و افشاگری درباره او. در واقع دارد خواسته بانو زینب(س) را اجرا می‌کند. بخش پنجم نتیجه طبیعی وقایعی است که در بخش چهارم شرحش داده شده و موقعیتی را فراهم آورده که به ایفای نقش تاریخی بانو زینب(س) منجر می‌شود، بنابراین ما با یک خط سیر داستانی پلکانی روبه‌رو هستیم و هر فصل از نظر معنایی پله فصل بعدی می‌شود.

■ **اگر نگاهی به رمان‌های پرفروش و مردم‌پسند؛ چه مذهبی و چه غیرمذهبی بیندازیم، آنها روایت و زبان ساده‌ای دارند و مواجهه عامه با قصه‌های موازی و سوررئال شما -اگر بر سوررئال بودن آن اشتراک نظر داشته باشیم- خواندنش را دشوار می‌کند و ممکن است مخاطب قبل از پایان یافتن کتاب آن را زمین بگذارد. آیا از اساس به چنین مساله‌ای معتقدید؟ و اگر به آن اعتقاد دارید، قطعا برگزیدن چنین زبانی دلایلی خواهد داشت که خوشحال می‌شویم از آنها بگویید.**

باید بپذیریم که خواننده‌های داستان در سطوح متفاوتی از دانش و تجربه قرار دارند. مسلما خواننده علاقه‌مند به داستان‌های خطی با احضاریه کنار نخواهد آمد و حتما از من به عنوان یک داستان‌نویس بد یاد خواهد کرد. این حق او است. تا از خواندن داستان‌های خطی و سهل‌الوصول دست برندارد، با داستان من و امثال من کنار نمی‌آید. دروغ چرا؟ من هم موقع نوشتن به چنین خواننده‌ای فکر نمی‌کنم، چون اگر بخواهم فکر کنم، نظام کار از دستم در می‌رود و در طراحی داستان دچار مشکل می‌شوم. من تکلیف مخاطب را از همان ابتدای داستان‌نویسی برای خودم روشن کرده‌ام. مخاطب مورد نظر من کسی است که به داستان‌خوانی علاقه‌مند است و پیگیر است و برای آن وقت و انرژی می‌گذارد. هزینه می‌کند. ساده‌خوان نیست، بلکه دوست دارد در مهندسی داستان شریک شود. با علاقه به کدگذاری‌های نویسنده توجه می‌کند و آنها را درمی‌یابد و از این طریق نقشه راهی را که نویسنده ترسیم کرده، قدم به قدم طی می‌کند و از این مشارکت لذت عمیق می‌برد، البته این شیوه در نگارش رمان‌های تحلیلی جواب می‌دهد. کسی که دنبال رمان سرگرمی است، باید برود سراغ رمان‌هایی از همان جنس.

■ **در مقام رمان‌نویس به نظر آسان نمی‌رسد کلمات را از زبان معصومین نوشت اما شما این خطر را پذیرفتید**

چرا نمی‌توان به آسانی کلمات را از زبان آنها نوشت؟

■ **این مساله بخشی به عصمت ائمه برمی‌گردد و بخشی هم به دسترسی‌ناپذیری ما نسبت به تاریخ. در هر دو مساله چالش بزرگی وجود دارد که براحتی خودمان را به دل تاریخ ببریم و مثلا از زبان حضرت علی با روایت اول شخص سخن بگوییم. آن هم وقتی که آن عصر تاریخی قرن‌ها دور از ماست و حتی سندهای موثقی که از زندگی و زمانه حضرات خبر می‌دهند معدود است. از همین رو جسارت بالایی می‌طلبد که ما روایت شخصی از آنها ارائه بدهیم. هرچند این گزاره‌های شخصی که بین اهل‌بیت صورت می‌گیرد شاید واقعا هم در تاریخ بوده اما خب! وقتی شأن معصوم برای آنها قائل می‌شویم این حد از تهور برای ورود به زیست شخصی آنها مخاطب را شگفت‌زده می‌کند و حتی بعضی‌ها را دلخور. نمونه‌اش را در رمان دوازدهم دیدیم. شما از پیشامدهای آن نترسیدید؟ چون بیشترین واکنش‌های منفی نسبت به روایت شخصی از ائمه بوده و برای خیلی‌ها سوال است که چه اصراری دارید چنین روایتی را انتخاب کنید؟**

بهتر است اول نظرم را درباره عصمت معصومین عرض کنم، بعد نتیجه بگیرم. معصوم در مقام نفس مطمئنه قرار دارد؛ مقامی که در آن نفس اماره تربیت شده و کاملا تحت کنترل است و شیاطین هم جرات ورود و سکنی در آن را ندارند. پس نفس اماره در معصوم وجود دارد اما تربیت شده. اگر نبود که ما با فرشته طرف می‌شدیم. وقتی می‌گوییم شبیه معصوم عمل کنیم، از مهم‌ترین لوازمش این است که نفس اماره را کاملا تحت کنترل در بیاوریم، چنانکه نه خود انجام گناه سرکشی کند، نه شیاطین تسلطی بر آن داشته باشند. من با این تعریف سراغ معصوم رفته‌ام؛ چه در دوازدهم، چه در احضاریه. بنابراین برای چه باید از نزدیک شدن به آنها بترسم؟ من که قصدم این است عظمت آنها را در عین انسان بودن‌شان نشان بدهم. در احضاریه خواسته‌ام بگویم بانو زینب(س) به عنوان یک انسان چگونه سیر و سلوکی داشته که به معصومیت اکتسابی دست پیدا کرده. پیش از چاپ کتاب، چند نفر از دوستانی که اتفاقا نسبت به این مقوله بشدت حساسند، به خواست خودم رمان را خوانده‌اند. از آنها خواهش کرده‌ام اگر مشکلی دیدند، به من بگویند تا تصحیح کنم. عده‌ای از این دوستان روحانیونی هستند که مطمئنم با پیامبر(ص) و ائمه معصوم رفیق‌ترند تا با من و نسبت به آنها بیشتر احساس مسؤولیت می‌کنند تا نسبت به من. پس اجازه بدهید که نترسم، چون پیش از چاپ این دوستان رمان را با وسواس خوانده‌اند. اما بخش دوم سوال شما. همان میزان اسنادی که وجود دارند، برای بازسازی تاریخی کفایت می‌کنند، چون ما قرار است اساس آنها را تخیل کنیم و داستان بنویسیم. کافی است شخصیت‌ها را بر اساس داده‌ها پردازش و در موقعیت‌هایی که در آن قرار داشته‌اند، فعال کنیم، بی‌آنکه وقایع را تحریف کنیم. مگر نمی‌گوییم معصوم بوده‌اند؟ در این صورت رفتار و کردارشان مطابق است با رفتار و کردارهای که از انسان کامل انتظار داریم. نه دروغ می‌گویند، نه ظلم می‌کنند. حق را کاملا به جا می‌آورند و جز به رضای خدا فکر نمی‌کنند. وقایع هم که موجودند. مثلا موقعیت اسرا را در کاخ یزید در نظر بگیرید. آنچه در تاریخ‌نویسی شیعه آمده، موجود است. بیانات بانو زینب(س) به خطبه مشهور است. خطبه هم به فارسی سخنرانی ترجمه شده. من خودم از بچگی تصور می‌کردم ایشان در آن مجلس سخنرانی کرده‌اند. تصور عموم هم همین است، حداقل تصور عام این است. سخنرانی یعنی اینکه ایشان در آن موقعیت خطیر ایستاده‌اند به سخنرانی و جماعتی هم که آنجا بوده‌اند، به سخنرانی ایشان گوش داده‌اند، از جمله یزید و اعوان و انصارش. لام تا کام هم حرف نزده‌اند و اعتراض هم نکرده‌اند. در صورتی که آنجا موقعیت سخنرانی نبوده، جنگ بوده، جنگ عقیده در قالب کلام. از نظر من به عنوان یک داستان‌نویس، میان بانو و یزید دیالوگ به مفهوم فنی آن برقرار بوده. یزید ادعا می‌کرده، بانو و امام سجاد(ع) ادعای او را با استدلال رد می‌کرده‌اند، بنابراین ما می‌توانیم تاریخ معصوم را بازسازی کنیم، طوری که حقایق تحریف نشود. این امر در بازسازی موقعیت خانوادگی آنها نیز صادق است...

■ **آیا این شخصیت شکاک و متزلزل مسعود را می‌توان تجلی‌ای از انسان مدرن مسلمان با تمام ایمان و شک و سوال‌های لاینحل امروزش دانست؟**

نسبت به مسعود کم‌لطف نباشید. او شکاک و متزلزل نیست. اتفاقا شخص معتقدی است، منتها به شیوه خودش. او دوست ندارد برایش برنامه‌ریزی کنند، کاری را که رسول در رمان می‌کند. اگر بخواهیم پشت سر مسعود غیبت کنیم، باید بگوییم راحت‌طلب است و آن شوریدگی را برای رفتن به راهپیمایی ندارد، بر خلاف عارفه که شیفته شخصیت بانو شده و مشتاق رفتن است اما ظاهرا راه‌ها به رویش بسته است. مسعود دلش می‌خواهد در شرایطی متعادل سفر کند، در یک هتل خوب ساکن باشد، به زیارت که می‌رود، در فشار و رنج نباشد؛ همین...

اینکه مذهبیون علاقه‌مند به داستان و رمان‌خوانی‌اند، قاعدتا باید اینطور باشد، اگرنه فروش ۱۵ هزار نسخه در پخش روشنا ظرف یک ماه معنی نمی‌دهد. این یعنی خواننده مذهبی برای اعتقادات خودش ارزش قائل است و همان طور که برای راهپیمایی اربعین وقت و انرژی می‌گذارد، به عشق خواندن رمانی درباره بانو هم وقت می‌گذارد و هزینه می‌کند

■ **کمی صریح‌تر بخواهیم صحبت کنیم، نویسنده‌ها عمدتا از تجربه‌های شخصی خودشان برای پروراندن داستان استفاده می‌کنند و اتفاقا این تجربه‌ها به سبب نسبتی که با واقعیت دارند، در داستان واقعی‌تر جلوه می‌کنند. می‌توان گفت که علی موذنی نه روزنامه‌نگاری در کارنامه حرفه‌ای‌اش دیده می‌شود و نه دست تقدیر برای او خواهری چون عارفه به ارمغان آورده، با این وجود محوریت داستان روزنامه‌نگاری و خواهر برادری است. این تجربه نداشته به اصل داستان آسیب نزد؟**

من خواهر ندارم، دیگران که دارند. ناظر رفتار و گفتار آنها با هم بوده‌ام. صورت‌های مختلف خواهر برادری را هم دیده‌ام. بعضی خیلی صمیمی و بعضی دشمن خونی هستند. دیدن، یکی از راه‌های شناخت است. بعد هم با خیلی‌ها درباره نوع رابطه خواهر برادری‌شان گپ زده‌ام. از مردها درباره نوع غیرت‌ورزی‌شان نسبت به خواهر پرسیده‌ام و خواسته‌ام تفاوت غیرت نسبت به خواهر و همسر را برایم بگویند. و خیلی سوال‌های دیگر تا به شناخت لازم برسم. درباره روزنامه‌نگاری هم همین طور است. بسیاری از دوستان من روزنامه‌نگاران حرفه‌ای هستند که سال‌هاست با آنها نشست و برخاست دارم. در جریان مشکلات‌شان بوده‌ام و هر تجربه‌ای که در رمان آمده، عینا از دوستان مختلف شنیده‌ام. اینها که راحت‌ترین بخش کار است. امان از مهندسی داستان!

■ **فارغ از مصداق احضاریه، آیا شما جریان امروز رمان‌نویسی در ایران را نوعی رقیب برای فضای مجازی می‌دانید؟ این جریان را امروز چگونه می‌بینید و فردایش را چطور متصورید؟**

به نظرم نیاز به داستان‌خوانی فطری است. آدمیزاد عاشق شنیدن و خواندن داستان است، بنابراین فضای مجازی را رقیب رمان‌نویسی نمی‌دانم اما مخل چرا! فضای مجازی زیادی وقت می‌گیرد و گاه اصلا وقت را- این عنصر ارزشمند را- پوچ می‌کند. اگر معتادش باشی که واویلاست. غرق شدن در فضای مجازی، حتی اگر مطالب زرد را هم دنبال نکنی، برای کسانی که برای وقت خود ارزش قائلند، می‌تواند آفت باشد و آنها را از پرداختن به امور جدی باز بدارد اما کم‌کم به این فضا نیز چنان عادت می‌کنیم که مثل غذا خوردن هر وقت گرسنه شدیم، سراغش برویم. این عرض من شامل کسانی می‌شود که به زندگی جدی نگاه می‌کنند و برای خود برنامه دارند، اگرنه عده‌ای هستند که اگر فضای مجازی نبود، وقت‌شان را طور دیگری به بطالت می‌گذراندند.

■ **رمان‌نویسی دینی در جامعه ایرانی چالش‌های گوناگونی دارد اما بیش از چالش‌هایش با مخاطب فراوانی همراه است. چرا کمتر نویسندگان سراغ ادبیات داستانی دینی با سوژه‌های فراوانش می‌روند؟**

دو، سه دلیلش را خود شما گفتید. نبود یا کمبود منابع. حساسیت‌های گاه افراطی و... . به همکاران شما قبلا گفته‌ام که اگر بحث نوشتن فیلمنامه درباره بانو زینب(س) و امام عصر(عج) نبود، بعید می‌دانم برای نوشتن رمان سراغ این دو بزرگوار می‌رفتم. شخصا هم اعتقادی به این موضوع ندارم که بعضی برای نوشتن چنین موضوعاتی انتخاب می‌شوند. حداقل اینکه معرفتش را ندارم و کسی هم تا حالا استدلالی برای من در این زمینه نیاورده اما اینکه مذهبیون علاقه‌مند به داستان و رمان‌خوانی‌اند، قاعدتا باید اینطور باشد، اگرنه فروش ۱۵ هزار نسخه در پخش روشنا ظرف یک ماه معنی نمی‌دهد. این یعنی خواننده مذهبی برای اعتقادات خودش ارزش قائل است و همان طور که برای راهپیمایی اربعین وقت و انرژی می‌گذارد، به عشق خواندن رمانی درباره بانو هم وقت می‌گذارد و هزینه می‌کند. ممکن است اصلا به عشق بانو، احضاریه را به عنوان یک کتاب بخرد نه به عنوان رمان، و توجهی هم به داستان آن نداشته باشد اما به هر حال مخاطب مذهبی با استقبال از آثار مذهبی خود را به خواندن کتاب علاقه‌مند نشان می‌دهد. حالا شما این مطلب را برای نویسندگان جا بیندازید که آیا خواننده‌های مذهبی سهمی از استعداد شما دارند یا ندارند؟

اخبار

درگذشت هنرمند انقلابی در بازگشت از اربعین حسینی

سیدمحمد ساجدی از هنرمندان کشور در مسیر بازگشت از کربلای معلا به همراه خانواده دچار سانحه رانندگی شد که متاسفانه در این حادثه اسفناک علاوه بر او، همسر و ۲ فرزند دختر وی نیز به دیار باقی شتافتند و فرزند دیگرش نیز هم‌اکنون در وضعیت کما قرار دارد. به گزارش «وطن امروز»، در پی درگذشت این طراح و هنرمند برجسته جبهه فرهنگی انقلاب، بنیاد فرهنگی روایت فتح پیام تسلیتی صادر کرد. در این پیام آمده است: عروج ملکوتی و شهادت‌گونه فرهیخته بسیجی و مخلص و محب آستان آل‌الله مرحوم سیدمحمد ساجدی به همراه همسر و ۲ فرزند دلبندش سخت، جانفرسا و جانکاه است. بی‌شک این رحلت عارفانه آن هم در ایام سوگواری مصائب آل‌الله علیهم‌السلام اجمعین هبه‌ای بود که از سوی این خاندان جلالت‌مآب به این عاشق راستین و هنرمند با اخلاق جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی عنایت شد و رضوان ابدی حضرت دوست مأوای وی و خانواده‌اش گردیده است.

■■■

رونمایی از «جنگ جهانی جمعیت»

نشست تخصصی و مراسم رونمایی مجموعه کتاب «جنگ جهانی جمعیت» با سخنرانی اساتیدی چون حسن عباسی و حسن رحیم‌پورازغدی، ۲۲ آبان در حوزه هنری برگزار می‌شود. به گزارش «وطن امروز»، در این برنامه حسن عباسی، رئیس اندیشکده یقین، حسن رحیم‌پورازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و علی‌اکبر محزون، مدیرکل دفتر جمعیت و سرشماری مرکز آمار ایران، در کنار صالح قاسمی، نویسنده و پژوهشگر جمعیت، درباره تهدیدات جمعیتی به بحث می‌پردازند و مجموعه کتاب ۷ جلدی «جنگ جهانی جمعیت» رونمایی می‌شود. مجموعه پژوهشی «جنگ جهانی جمعیت» اثر صالح قاسمی، پژوهشگر مسائل جمعیت است. کتاب‌های «کندو»، «پایان پویایی»، «قتل عام خاموش»، «باید برگردیم»، «نسخه بدلی» و «من قاتل نیستم» و کتاب «یک نان‌آور بیشتر» تازه‌ترین اثر این مجموعه، همگی به همت نشر خیزش نو منتشر شده است. علاقه‌مندان به شرکت در این مراسم می‌توانند از ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه ۲۲ آبان در سالن سوره حوزه هنری واقع در خیابان سمیه، قبل از تقاطع حافظ، حضور یابند.

مستند

رونمایی از پوستر مستند «راه طی شده»

به مناسبت سالروز استعفای دولت موقت مهندس بازرگان، از پوستر مستند «راه طی شده» به کارگردانی علی ملاقلی‌پور رونمایی شد. به گزارش «وطن امروز»، این مستند به کارگردانی علی ملاقلی‌پور و تهیه‌کنندگی محمدامین نوروزی، روایتی است از افکار و اندیشه‌های «مهندس مهدی بازرگان» به عنوان روشنفکر دینی، سیاستمدار و نخست‌وزیر دولت موقت ایران در سال ۵۷. نام این مستند که با عنوان «راه طی شده» تولید شده است برگرفته از عنوان یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مهندس بازرگان به همین نام است. آخرین اثر مستند علی ملاقلی‌پور که از تولیدات مرکز مستند سوره و مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری بسیج است، اواخر آبان با حضور اصحاب رسانه و چهره‌های هنری و سیاسی رونمایی می‌شود. طراحی این پوستر توسط رضا آسایی انجام شده است.

سینمای جهان

«یک مکان ساکت۲» در راه سینماها

بعد از موفقیت غیرقابل پیش‌بینی «یک مکان ساکت» در اوایل سال ۲۰۱۸، کار روی دنباله فیلم ادامه دارد. به گزارش مهر به نقل از مووی‌وب، بازیگران فیلم «یک مکان ساکت» (۲۰۱۸) از خطوط روایی احتمالی قسمت دوم این فیلم، پرده برداشتند. «یک مکان ساکت» درامی هیجان‌انگیز و ترسناک با بازی، کارگردانی و فیلمنامه جان کرازینسکی و همراهی امیلی بلانت است. این فیلم یکی از پدیده‌های سینمای جهان در سال ۲۰۱۸ بود و استقبال گرم مخاطبان، فروش ۳۴۰ میلیون دلاری و همچنین اقبال منتقدان از آن در مقابل بودجه ساخت نه چندان زیاد ۲۰ میلیون دلار، یک موفقیت تمام عیار بود. چیزی که اکنون ذهن طرفداران فیلم را مشغول کرده است نحوه ادامه قصه و موضوع فیلم دوم است. جان کرازینسکی هم‌اکنون به‌عنوان کارگردان و بازیگر و عضوی از تیم نویسندگان، سخت روی قصه فیلم دوم کار می‌کند.